

Cite the article: Masoumi, S. R., Izad, A., Bagheri Dadukalayi, F., & Malekian Kale Basti, M. (2025). Examining the relationship between life cycle, family ownership and earnings management of companies. *Journal of Accounting, Auditing and Finance in islamic enviroments*, 2(4), 99-144.

Examining the relationship between life cycle, family ownership and earnings management of companies

Seyyed Rasool Masoomi¹, Alireza Izadi², Faezeh Bagheri Dadukalai³,
Mostafa Malekian Kalle Basti⁴

1. Assistant Professor, Department of Accounting and Management, Jouybar Branch, Islamic Azad University, Jouybar.Iran (Corresponding Author) (masoumirasool@gmail.com)
2. Master's degree in accounting, Islamic Azad University, jouybar.Iran (alirezadi901655@gmail.com)
3. Master of Financial Management, Shandiz Non-Profit Higher Education Institute, Mashhad (faeze.bagheri7094@gmail.com)
4. Phd student of accounting, University of Tehran, Iran (mostafa.malekian@ut.ac.ir)

ABSTRACT

Received: 19/08/2023 - Accepted: 02/06/2024

Profit manipulation by managers is always one of the main concerns of those involved in capital market, given that with the increase in profit manipulation, the quality of financial reporting of companies decreases and as a result, investors' decisions are affected. But there are various factors that can affect this variable, which have been studied in the scientific texts of this field. One of the things that has recently been investigated among financial and accounting topics is the impact of different stages of the life cycle of companies, which can provide more differences from profit manipulation activities in different stages of the company's life cycle. In addition, the type of ownership structures is another case that can change the earnings management activities of companies. The main purpose of the current research is to investigate the relationship between the life cycle, family ownership and earnings management of companies listed on the Tehran Stock Exchange for the years 2016-2021. In terms of purpose, this research is applied, and in terms of data collection method, it is in the descriptive-correlational research group. To check the hypotheses, multivariate regression methods have been used via Eviews8 software and using consolidated data method. The results obtained in this study show that, in general, there is a significant difference between the earnings management of companies in the stages of growth, maturity and decline. Also, there is a significant difference between the real earnings management of family-owned companies in the stages of growth, maturity and decline.

Keywords Life Cycle, Family Ownership, Non-family Ownership, Real Earnings Management, Discretionary Accruals Based Earnings Management.

استاد به مقاله: معصومی، سید رسول، ایزدی، علیرضا، باقری دادوکلانی، فائزه و ملکیان کله بستی، مصطفی. (۱۴۰۳). بررسی ارتباط بین چرخه عمر، مالکیت خانوادگی و مدیریت سود شرکت‌ها. *حسابداری، حسابرسی و تأمین مالی در محیط‌های اسلامی*، ۲(۴)، ۹۹-۱۴۴.

بررسی ارتباط بین چرخه عمر، مالکیت خانوادگی و مدیریت سود شرکت‌ها

سید رسول معصومی^۱، علیرضا ایزدی^۲، فائزه باقری دادوکلانی^۳، مصطفی ملکیان کله بستی^۴

۱. استادیار گروه حسابداری و مدیریت، واحد جویبار، دانشگاه آزاد اسلامی، جویبار، ایران (نویسنده مسئول) (masoumirusool@gmail.com)
۲. کارشناسی ارشد حسابداری، واحد جویبار، دانشگاه آزاد اسلامی، جویبار، ایران (alirezadi901655@gmail.com)
۳. کارشناسی ارشد مدیریت مالی، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شانندیز، مشهد، ایران (faeze.bagheri7094@gmail.com)
۴. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، ایران (mostafa.malekian@ut.ac.ir)

چکیده

دستکاری سود از سوی مدیران، از دغدغه‌های اصلی و همیشگی فعالان بازار سرمایه است، زیرا با افزایش دستکاری سود، میزان کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها کاهش می‌یابد و در نتیجه آن، تصمیم‌های سرمایه‌گذاران تحت تأثیر قرار می‌گیرد. عوامل مختلفی می‌تواند بر این متغیر اثرگذار باشد که در متون علمی این حوزه بررسی شده است. یکی از مواردی که به تازگی در بین مباحث مالی و حسابداری بررسی شده است، تأثیر مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌هاست که می‌تواند تفاوت‌های بیشتری از فعالیت‌های دستکاری سود در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت ارائه دهد. افزون بر این، نوع ساختارهای مالکیتی نیز مورد دیگری است که می‌تواند فعالیت‌های مدیریت سود شرکت‌ها را دستخوش تغییراتی نماید. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی ارتباط بین چرخه عمر، مالکیت خانوادگی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، در گروه پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قرار دارد. برای بررسی فرضیه‌ها از روش‌های مربوط به رگرسیون چندمتغیره، از نرم‌افزار EViews8 استفاده و از روش داده‌های تلفیقی بهره گرفته شده است. نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد، در مجموع بین مدیریت سود شرکت‌ها در مراحل رشد، بلوغ و افول، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، بین مدیریت سود واقعی شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی در مراحل رشد، بلوغ و افول تفاوت معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: چرخه عمر، مالکیت خانوادگی، مالکیت غیرخانوادگی، مدیریت سود واقعی، مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری

مقدمه

یکی از ویژگی‌های بارز اقتصادی شرکت‌ها، چرخه عمر متفاوت آن‌هاست. طبق تئوری چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر از نظر مالی و اقتصادی دارای رفتارهای خاصی هستند؛ بدین نحو که ویژگی‌های مالی و اقتصادی یک شرکت، تحت تأثیر مرحله‌ای از چرخه عمر است که شرکت در آن قرار دارد (بیکسی^۱، ۲۰۰۷). اگر چه مفاهیم کلیدی متعددی درباره چرخه عمر وجود دارد، همه مفاهیم تعریف‌کننده مراحل مرتبط با شرایط خاص شرکت، دارای وجه اشتراک هستند. هر چند به لحاظ تعداد و به لحاظ برچسب‌گذاری مراحل، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد؛ اما یک مفهوم پنج مرحله‌ای - با مرحله‌ای به نام ظهور، رشد، بلوغ، رکود و افول - به نظر مشترک می‌رسد (دیکنسون^۲، ۲۰۱۱). شرکت‌ها با توجه به هر مرحله از حیات اقتصادی خود، سیاست و خط‌مشی مشخصی را دنبال می‌کنند. این سیاست‌ها به گونه‌ای در اطلاعات حسابداری منعکس می‌شود. به عبارت دیگر، شرکت‌ها طی مراحل مختلف چرخه عمرشان، دارای ویژگی‌ها و شرایط متفاوتی هستند که بر اطلاعات حسابداری و نحوه گزارشگری آن‌ها اثر می‌گذارد. در این زمینه دو دیدگاه رقیب وجود دارد که به تشریح اثر چرخه عمر بر گزارشگری و اطلاعات شرکت‌ها می‌پردازند. دیدگاه نخست بیان می‌دارد که شرکت‌ها در مرحله رشد برای حذف ریسک از دست دادن مزیت رقابتی‌شان، تمایل به گزارش اطلاعات با کیفیت پایین‌تر دارند و پس از تکمیل بسیاری از پروژه‌هایشان و ورود به مرحله بلوغ آن‌ها، کیفیت اطلاعاتشان را افزایش می‌دهند (پیوتروسکی^۳، ۲۰۰۳). با این حال، دیدگاه علامت‌دهی معتقد است که شرکت‌های در مرحله رشد تمایل دارند تا از طریق اطلاعات با کیفیت خود، فرصت‌های رشد و عملکرد آینده مطلوب خود را نشان دهند و این امر سبب افزایش کیفیت اطلاعاتشان می‌شود (لئوز^۴، ۲۰۰۴). پنروز^۵ (۱۹۵۹) نظریه کلی درباره رشد شرکت را ارائه استدلال کرد که رشد

-
1. Bixi
 2. Dickinson
 3. Piotroski
 4. Leuz
 5. Penrose

شرکت‌ها به منابع و فرصت‌های تولیدی و سودبخش وابسته است. نظریه منابع مالی سازمان، منبع نهایی برای ایجاد و حفظ یک مزیت رقابتی است. هلفات و پیتراف^۱ (۲۰۰۳) استدلال کردند که دیدگاه مبتنی بر منبع باید ظهور، توسعه و رشد و پیشرفت منابع و قابلیت‌های سازمانی را در طول زمان ترکیب کند. از این رو، آن‌ها «نظریه مبتنی بر منبع پویا» را ارائه و ثابت کردند که پرتفوی شرکت‌ها از منابع، قابلیت‌ها و ویژگی‌ها، در طول زمان در همه مراحل مختلف از چرخه عمر شرکت، تغییر می‌کند. دیکنسون (۲۰۱۱) با استفاده از داده‌های گزارش جریان نقدینگی شرکت، معیار محدود چرخه عمر شرکت را ارائه می‌دهد. وی ادعا می‌کند که جریان نقدینگی تفاوت‌های سودآوری، رشد و ریسک‌پذیری شرکت را در بر می‌گیرد؛ در نتیجه، ممکن است جریان نقدینگی عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی برای تقسیم‌بندی شرکت‌ها در مراحل «چرخه حیات مانند «معرفی»، «رشد»، «بلوغ»، «افول» و «رکود» مورد استفاده قرار بگیرد. از طرفی، حداکثر سازی سود یکی از اهداف اصلی شرکت‌ها در دنیای تجارت پیچیده و بسیار رقابتی امروزی است. بنابراین نمی‌توان نقش مهم صورت‌های مالی را در بازارهای سرمایه نادیده گرفت. از آنجا که سودهای گزارش شده در صورت‌های مالی قابل توجه است، مدت‌هاست علاقه زیادی به مدیریت سود در ادبیات حسابداری وجود دارد (بامری و همکاران، ۱۴۰۲).

مدیریت سود، مداخله هدفمند مدیر در فرایند گزارشگری مالی برون‌سازمانی به‌منظور آن است که برخی منافع شخصی را عاید خود کند، اعمال آن منجر به تضعیف سودمندی استاندارد در تصمیم‌گیری شود و انجام آن، مطابق با اهداف استاندارد نباشد (رخشی، ۱۴۰۰). به‌طور کلی، مدیریت سود از دو طریق امکان‌پذیر است: مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری و مدیریت واقعی سود. در حالت اول، مدیریت از طریق ارقام تعهدی اختیاری به آرایش ارقام حسابداری، مطابق با اهداف مطلوب خود می‌پردازد. اما در حالت دوم، مدیریت با اتخاذ برخی تصمیمات عملیاتی و به‌عبارتی دستکاری فعالیت‌های واقعی، به مدیریت واقعی سود روی آورده و به سود مورد نظر خویش دست می‌یابد (مشایخی و حسین‌پور، ۱۳۹۵؛

چن^۱، (۲۰۰۹). مدیران از طریق ارقام تعهدی، اقدام به مدیریت سود می‌کنند. ارقام تعهدی به تفاوت سود حسابداری براساس سیستم تعهدی و بر مبنای حسابداری نقدی گفته می‌شود (جودی و منصورفر، ۱۳۹۹). فرانسیس و همکاران^۲ (۲۰۰۵)، ارقام تعهدی اختیاری را اقلامی می‌دانند که در نتیجه انتخاب روش‌های حسابداری، تخصیص‌های اختیاری، تصمیم‌های مدیریتی و قضاوت‌ها و برآوردها ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر، این ارقام از هر شرکت به شرکت دیگر می‌تواند متفاوت باشد چون تحت تأثیر رویه و خط‌مشی‌های انتخابی شرکت قرار دارد و هر چقدر مدیر یک شرکت آزادی عمل بیشتری برای به‌وجود آوردن آن‌ها داشته باشد، احتمال بیشتری دارد که از این ارقام برای تأثیرگذاری روی سود استفاده کند که این عمل به «پدیده مدیریت سود» معروف است. هاجبرگ^۳ (۲۰۰۳)، ارقام تعهدی غیراختیاری را بیانگر آن قسمت از ارقام تعهدی می‌داند که در روند عادی فعالیت یک موسسه ایجاد و پیش‌بینی می‌شود که مدیریت هیچ‌گونه دخالتی در ایجاد آن نداشته باشد. به عبارت دیگر، در اثر انجام مبادلات، به‌طور طبیعی ایجاد شده باشند (مهدوی و کریمی پور، ۱۳۹۷). در مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، مدیریت نه از طریق تغییر فعالیت‌های اقتصادی اساسی شرکت، بلکه در پایان سال از طریق ارقام تعهدی اختیاری، سود را در جهت اهداف خویش دستکاری می‌کند، در حالی که مدیریت سود واقعی با تغییر در زمان‌بندی یا ساختار فعالیت‌های واقعی واحد تجاری و مدیریت با اتخاذ برخی تصمیم‌های عملیاتی همراه است. بر اساس مطالعات پیشین مدیریت سودهای واقعی و تعهدی، پیامدهای منفی شدیدی برای سال‌های پس از عرضه عمومی اولیه سهام دارد (کوتاری و همکاران^۴، ۲۰۱۶). مدیریت سود واقعی به عنوان فعالیت‌های عملیاتی مدیریت، برای تغییر سود گزارش شده در جهت خاصی تعریف می‌شود. که با تولید بیش از حد موجودی، برای کاهش هزینه کالاهای فروخته شده یا کاهش هزینه‌های اختیاری (یعنی هزینه‌های تبلیغاتی، مخارج تحقیق و توسعه، فروش، هزینه‌های عمومی و اداری) برای بهبود حاشیه گزارش شده، به دست می‌آید

1. Chen
 2. Francis et al
 3. Hochberg et al
 4. Kothari et al

(هوآنگ و سان^۱، ۲۰۱۷). نکته اساسی این است که مدیریت سود ناشی از فعالیت‌های واقعی، پیامدهای منفی شدیدتری نسبت به مدیریت سود تعهدی بر جای خواهد گذاشت (کامیابی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به تغییر رفتار سازمانی در مراحل مختلف چرخه حیات، انتظار می‌رود رفتار گزارش‌دهی مالی نیز بر اساس مراحل چرخه حیات سازمانی تغییر پیدا کند. در واقع، پژوهشگران بر این باورند که چرخه حیات شرکت بازتابی از نتایج گزینه‌های حسابداری است که بیانگر عواملی فراتر از انگیزه‌های مدیریت سود هستند، زیرا به ندرت پیش می‌آید مدیران در زمانی واحد در طول مراحل مختلف چرخه حیات سازمان دارای انگیزه‌ها و محرک‌های یکسان باشند (چن و همکاران، ۲۰۱۸). سطر آخر صورت‌های مالی (یعنی سود) مبنای مناسبی برای تصمیم‌گیری بسیاری از استفاده‌کنندگان مانند سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران، اعتباردهندگان و تأمین‌کنندگان مالی در نظر گرفته می‌شود و یکی از بهترین شاخص‌ها به منظور ارزیابی عملکرد مدیران به‌شمار می‌رود. مدیران شرکت‌ها، می‌توانند از طریق دستکاری اقلام تعهدی و دستکاری فعالیت‌های واقعی، سود را مدیریت کنند (ونگسانوی^۲، ۲۰۱۲). در حسابداری، ادبیات به نسبت گسترده‌ای راجع به تقلب و دستکاری و گزارش منصفانه وجود دارد این تقسیم‌بندی بر مبنای انحراف از قوانین جاری و اصول پذیرفته شده حسابداری در شکل و محتوای اقتصادی گزارش است. ادبیات مربوط به دستکاری‌های حسابداری، به ضعف ذاتی حسابداری اشاره دارد. حتی با رعایت استانداردهای حسابداری و سایر قوانین محاط بر محیط‌های گزارش‌گری مالی، امکان تولید و ارائه گزارش‌های غیرمنصفانه از عملکرد یک واحد اقتصادی توسط مدیریت وجود دارد، بدون اینکه هیچ استاندارد یا قانونی نقض شده باشد (نوری بروجردی و همکاران، ۱۳۹۲). استفاده از تکنیک‌های مدیریت سود، قدرت توضیحی صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد که از یک سو موقعیت شرکت را بهبود می‌بخشد، اما توانایی پیش‌بینی ورشکستگی آینده را کاهش می‌دهد و خطر ورشکستگی را افزایش می‌دهد (فیالوا و فولوارنا^۳، ۲۰۲۰). نتایج

1. Huang & Sun
2. Wongsunwai
3. Fialova & Folvarcna

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد مالکیت خانوادگی، فعالیت‌های مدیریت سود را محدود می‌سازد (مهرآذین و همکاران، ۱۳۹۲). کسب‌وکارهای خانوادگی، قدیمی‌ترین نوع سازمان‌های تجاری هستند. در بیشتر کشورها کسب‌وکارهای خانوادگی بیش از ۷۰ درصد کل تجارت را به خود اختصاص می‌دهند و نقش پررنگی در رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی ایفا می‌کنند (مشایخی و آژنگ، ۱۳۹۷). عملکرد شرکت‌های خانوادگی در ادبیات موضوعی مدیریت و مالی توجه زیادی را به خود جلب کرده است. مالکان خانوادگی به لحاظ ویژگی‌های منحصر به فرد خود نسبت به سایر انواع مالکیت، شامل تمایل به استفاده از اعضای خانواده در سمت‌های مدیران ارشد اجرایی، یا دیدگاه بلندمدت در سرمایه‌گذاری و سایر موارد، می‌توانند روی مسائلی نظیر عملکرد، تأثیرات متفاوتی بگذارند (هشی و همکاران، ۱۳۹۲). ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌تواند بسیار متنوع باشد و طیف وسیعی از سهامداران حقیقی و حقوقی می‌توانند در این ساختار ایفای نقش کنند. حضور سهامداران حقیقی از یک خانواده یا فامیل با در اختیار داشتن درصد بالای سهام و یا حضور آن‌ها در هیأت مدیره، به نوعی خانوادگی بودن مالکیت شرکت را نشان می‌دهد. در شرکت‌های خانوادگی به علت وجود سهامدار عمده حقیقی و یا وجود اعضای خانواده در هیأت مدیره، ممکن است سایر سهامداران این گمان را داشته باشند که منافع خانواده، به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان تصمیم‌گیری برای شرکت، بر منافع سایر سهامداران در اولویت قرار گیرد (مهرآذین و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان به این مهم پی برد که شرکت‌های خانوادگی و مالکیت قابل توجه اعضای خانواده در این شرکت‌ها رواج بسیار زیادی دارد، اما اطلاعات بسیار کمی در مورد این‌گونه شرکت‌ها و در مورد انتخاب گزارش‌گری مالی در این شکل خاص از شرکت‌ها وجود دارد (خواجوی و همکاران، ۱۳۹۳). پژوهش‌های لیونگ و همکاران^۱ (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که انتصاب یک مدیر غیرموظف در بین مدیران یک شرکت دارای

مالکیت خانوادگی، بر عملکرد شرکت تأثیر نمی‌گذارد. کیم و گائو^۱ (۲۰۱۳) نیز ثابت کردند که اهداف بلندمدت شرکت ارتباط مدیریت خانوادگی و عملکرد شرکت را متصل می‌کند (هارجیتو و همکاران^۲، ۲۰۲۱). پایه و اساس بیشتر پژوهش‌های انجام شده پیرامون شرکت‌های خانوادگی، چارچوب تضاد منافع ناشی از مسئله نمایندگی می‌باشد. مسئله نمایندگی منجر به ایجاد تضاد منافع میان مدیران و سهامداران و تضاد منافع میان سهامداران اکثریت و اقلیت می‌شود. یکی از سازوکارهای نظارتی به منظور کاهش این تضادها، ساختار مالکیتی است. در ساختار مالکیتی، شرکت‌های خانوادگی ویژگی‌های منحصر به فردی وجود دارد، که این شرکت‌ها را با سایر شرکت‌ها متمایز ساخته است. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها، پارادایم ثروت اجتماعی و احساسی می‌باشد. پارادایم ثروت اجتماعی و احساسی به برخی از ویژگی‌ها و خصیصه‌های غیر مالی در ساختار مالکیتی شرکت‌های خانوادگی از قبیل هویت خانواده، تداوم ارزش‌ها و سلسله در خانواده و همچنین حفظ و ارتقاء جایگاه و سرمایه اجتماعی خانواده اشاره دارد (لیو و همکاران^۳، ۲۰۱۷؛ ولی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲). استدلال می‌شود که مالکان خانوادگی از انگیزه بالایی برای حفظ ثروت اجتماعی و احساسی برخوردارند و این امر آن‌ها را به سمت رفتار اخلاقی سوق می‌دهد. رفتار اخلاقی در شرکت‌های خانوادگی به دلیل توجه به شهرت، اعتبار و حفظ ثروت اجتماعی و احساسی خانواده، محرک اصلی سرمایه‌گذاری در مسئولیت اجتماعی و اجتناب از مدیریت سود می‌باشد (گومز‌ماجیا و همکاران^۴، ۲۰۱۱). با توجه به موارد مطرح شده فوق، بررسی رابطه بین چرخه عمر، مالکیت خانوادگی و مدیریت سود شرکت‌ها بسیار با اهمیت است و در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که آیا بین چرخه عمر، مالکیت خانوادگی و مدیریت سود شرکت‌ها ارتباط وجود دارد.

-
1. Kim & Gao
 2. Harjito et al
 3. Liu et al
 4. Gómez-Mejía et al

مبانی نظری و پیشینه تجربی

مدیریت سود یک دستکاری آگاهانه و فعال در نتایج حسابداری، به منظور ایجاد تغییر در نشان دادن وضعیت تجاری واحد اقتصادی است (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۱). اهمیتی که سود حسابداری برای استفاده کنندگان از اطلاعات مالی دارد، باعث شده است که مدیریت واحد تجاری، به مبلغ و چگونگی تهیه و ارائه آن توجه خاص داشته باشد. یکی از جنبه‌های بااهمیت سود حسابداری، نقش آن در قراردادهای تأمین مالی است. وجود بدهی‌ها، علاوه بر اینکه یکی از عوامل ایجاد انگیزه برای مدیریت سود است، می‌تواند از طریق کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران، به کاهش نوسان‌های سود واحد تجاری و کاهش مدیریت سود منجر گردد. از عواملی که می‌تواند در میزان رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران تأثیرگذار باشد، میزان جریان نقدی آزاد و فرصت‌های رشد و سرمایه‌گذاری شرکت است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۶).

بر اساس نظر گوردن و والتر^۱ (۲۰۰۷) شرکت‌ها بر اساس چرخه عمر، به سه دسته «رشدی»، «بالغ» و «راکد» تقسیم می‌شوند. شرکت‌های در حال رشد با انباشته کردن سود، موجب افزایش قیمت سهم می‌شوند. مؤسسات در حال بلوغ، فرصت مناسبی ندارند و سیاست تقسیم سود آن‌ها، تأثیری بر قیمت ندارد، هرچند نسبت ثابت سود تقسیمی آن‌ها، باعث کاهش ریسک می‌شود. مؤسسات راکد مجبور به تقسیم سود هستند و ریسک بسیار بالایی را در خود دارند. پس می‌توان در بررسی رابطه بین سودآوری و بازده، چرخه عمر و اندازه شرکت را نیز به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در نظر گرفت. بعضی از پژوهشگران قابلیت تعمیم یافته‌های مربوط به اندازه شرکت را در چارچوب چرخه عمر شرکت بررسی کرده‌اند. نظریه‌های مالی ادعا می‌کنند که به‌طور میانگین شرکت‌ها در مراحل اولیه چرخه عمر، رشد و سودآوری بالایی دارند. از سوی دیگر، اندازه بزرگ و رشد سودآوری کم و حتی منفی، ویژگی شرکت‌هایی است که در مراحل پایانی چرخه عمر هستند. بنابراین، سؤالی که مطرح می‌شود، به تفاوت محتوای اطلاعاتی سودآوری برای توضیح بازده سهام

1. Gordon & Walter

با توجه به اندازه شرکت مربوط است که به وسیله محتوای اطلاعاتی تفاوت‌های مربوط به مراحل چرخه عمر شرکت احاطه شده است و اصطلاح نرخ بازده (یا نرخ عایدی)، برای توصیف نرخ افزایش یا کاهش سرمایه‌گذاری، در طول دوره نگهداری دارایی به کار می‌رود. نرخ بازده مورد انتظار، سرمایه‌گذار را از متوسط پاداشی که پیش‌بینی می‌شود طی دوره خاص به دست آورد، مطلع می‌کند. بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران از دو جزء سود سرمایه و سود تقسیمی، تشکیل می‌شود. یکی از عوامل مورد نظر در ریسک پرداخت سود تقسیمی و همچنین کسب سود سرمایه‌ای، چرخه عمر شرکت است (رحمانی و شمس، ۱۳۹۷). چرخه عمر شرکت، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مؤثر بر محیط عملیاتی شرکت و ابهام‌های پیش‌روی مدیر است، زیرا آنچه مراحل مختلف چرخه عمر شرکت را شکل می‌دهد، شرایط داخلی شرکت (از قبیل راهبردهای شرکتی، توانمندی‌های مدیریتی، منابع داخلی) و محیط بیرونی آن (شامل وضعیت رقابتی و متغیرهای کلان اقتصادی) است (دیکنسون، ۲۰۱۱). محققان هم نشان داده‌اند پایداری سود، حاشیه سود، کارآمدی عملیات و رشد آتی سود، در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت متفاوت است (دراک، ۲۰۱۵)، به گونه‌ای که شرکت‌هایی که مراحل اولیه چرخه عمر خود را سپری می‌کنند، سود ناپایدارتری دارند؛ اما در عین حال مدیران این شرکت‌ها به رشد آتی سود امیدوارند و همین موضوع بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی آن‌ها اثر می‌گذارد. اما شرکت‌هایی که در سال‌های میانی عمر خود قرار دارند، سود پایدارتری را تجربه می‌کنند و به علت کاهش دورنمای سودآوری، به دنبال کسب بازده بیشتر از سرمایه‌گذاری‌های فعلی‌شان هستند. با توجه به اثرپذیری تصمیم‌های مدیریت از ویژگی‌های شرکت و با عنایت به آنکه مراحل چرخه عمر شرکت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که شرایط پیش‌روی مدیریت و چگونگی عملیات شرکت را تشریح می‌کند، این رابطه بررسی می‌شود (اثنی عشری و نادری، ۱۳۹۶). در مرحله ظهور، شرکت‌ها مبالغ زیادی را در مقایسه با سطح فروش و یا سهم بازارشان در فعالیت‌های بازاریابی و نوآوری، سرمایه‌گذاری می‌کنند تا به این ترتیب بتوانند

در بازار پذیرفته شوند و یا سهم بازار خود را افزایش دهند. بر همین اساس، خالص جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و عملیاتی شرکت‌ها، در این مرحله به شکل خروجی است. آنچه مدیران را به سرمایه‌گذاری برمی‌انگیزد، باور آن‌ها به دورنمای رشد شرکت است. شایان ذکر است، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری مدیریت موجب می‌شود سطح سود شرکت در کوتاه‌مدت کاهش یابد. به همین سبب، آن‌ها در این مرحله درصدد برمی‌آیند سود را بیشتر از طریق ارقام تعهدی (و نه فعالیت‌های واقعی) مدیریت کنند، زیرا باورشان به عملکرد آتی شرکت، موجب می‌شود نگران اثر عکس ارقام تعهدی در بلندمدت نباشند (چن، ۲۰۰۹؛ گراهام و همکاران^۱، ۲۰۰۵). ضمن آنکه آن‌ها برای گزارش سود نیز تحت فشار قرار ندارند. به همین سبب، انتظار بر آن است شرکت‌های واقع در مرحله ظهور، بیشتر الگوی مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی را به کار بندند. در مراحل رشد و بلوغ شرکت‌ها، اگرچه تا حدودی به بازار معرفی شده‌اند، برای توسعه عملیات خود نیازمند تأمین مالی داخلی و خارجی هستند. شرکت‌هایی که در مرحله بلوغ قرار دارند، هم از سوی بازار تحت فشار هستند تا به سطوح معینی از سود دست یابند. بنابراین، مدیران شرکت‌هایی که در مراحل رشد و بلوغ قرار دارند انگیزه کافی برای مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی را دارند. این در حالی است که آن‌ها اختیارات کافی برای کاهش سرمایه‌گذاری در نوآوری‌های کم‌بازده و فعالیت‌های بازاریابی و یا تعویق سرمایه‌گذاری در طرح‌های جدید را نیز دارند، زیرا در هر دو مرحله، مدیران با سبدهای از پروژه‌های مختلف مواجهند. بنابراین، ترکیب انگیزه و اختیار، بستر مناسبی را برای مدیریت بیشتر سود از طریق فعالیت‌های واقعی فراهم می‌کند. اگرچه، این موضوع را نیز نباید از نظر دور داشت که دورنمای رشد پیش‌روی شرکت، از جمله عواملی است که می‌تواند بر الگوی مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی شرکت‌هایی مؤثر باشد که در مراحل رشد و بلوغ قرار دارند (نگار و راداکریشنان^۲، ۲۰۱۵).

آنچه مدیران را ترغیب به چنین الگوی مدیریتی می‌کند آن است که آیا سودآوری آتی

می‌تواند آثار معکوس این الگوی مدیریت سود را پوشش دهد. به همین سبب، انتظار بر آن است شرکت‌های واقع در مراحل رشد و بلوغ، بیشتر الگوی مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی را به کار ببرند. در عین حال، انتظار می‌رود میزان استفاده از اقلام تعهدی برای مدیریت سود در شرکت‌های فعال در مراحل رشد و بلوغ که دورنمای رشد بیشتری دارند، در مقایسه با دیگر شرکت‌های واقع در این مراحل بیشتر باشد. در مرحله افول شرکت‌ها به دلیل زوال فناوری به کاررفته در عملیات، حجم سرمایه‌گذاری و تغییرساختار را کاهش می‌دهند. به همین دلیل، مدیران شرکت‌های حاضر در این مرحله از اختیارات بالایی برای مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی برخوردار نیستند، زیرا در این مرحله، انحراف از تصمیم بهینه به واسطه فعالیت‌های واقعی جهت مدیریت سود، هزینه‌های بالایی را برای شرکت به همراه دارد (نگار و راداکریشنان، ۲۰۱۵؛ ژانگ^۱: ۲۰۱۲). به همین سبب، انتظار می‌رود شرکت‌های واقع در این مرحله بیشتر از الگوی مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی استفاده نمایند. محققان دریافته‌اند در اروپای غربی شرکت‌هایی که تحت مدیریت خانواده‌های مؤسس هستند، در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی، بهره‌وری بیشتری دارند (موری^۲، ۲۰۰۶). شرکت‌های خانوادگی تهاجمی‌تر از شرکت‌های غیر خانوادگی رفتار می‌کنند. شرکت‌های خانوادگی در مرحله مقدماتی، بیشتر به مدیریت فروش و هزینه تولید می‌پردازند. اما کمتر از شرکت‌های بالغ، در مدیریت هزینه‌ها شرکت می‌کنند، در حالی که شرکت‌های غیر خانوادگی در مرحله مقدماتی، مدیریت فروش را در مقایسه با شرکت‌های بالغ، ترجیح می‌دهند، علاوه بر این، شرکت‌های خانوادگی در مراحل معرفی و افول، نسبت به شرکت‌های خانوادگی بالغ، بیشتر درگیر سرمایه‌گذاری هستند، در حالی که شرکت‌های غیر خانوادگی این الگو را نشان نمی‌دهند (ژی و همکاران^۳، ۲۰۲۲). اندرسون و ریپ^۴ (۲۰۰۳) از دو معیار برای تعیین شرکت‌های خانوادگی استفاده کردند. نخست اینکه، حداقل ۱۸ درصد سهام دارای حق رأی شرکت در تملک اعضای خانواده باشد. دوم، اعضای خانواده

1. Zhang
 2. Mori
 3. Xi et al
 4. Anderson & Reeb

در مدیریت شرکت مشارکت فعال داشته باشند. بر اساس تعریف چنگ^۱ (۲۰۱۴) شرکت‌هایی خانوادگی هستند که بنیانگذاران و یا نسل‌های بعدی آن‌ها، تداوم مشارکت در مدیریت شرکت را داشته باشند و یا دارای بلوک‌هایی از سهام هستند. شرکت‌های خانوادگی در کل، به دلایلی همچون نظارت مؤثر و کنترل صحیح عملیات شرکت و تخصص لازم جهت اداره شرکت‌ها، موجب بهبود عملکرد شرکت می‌شوند (رضایی و خدابنده، ۱۳۹۶). از سوی دیگر، وجود کسب‌وکارهای تجاری خانوادگی در کشورهای مختلف معمولاً از شرکت‌هایی شروع می‌شود که کاملاً متعلق به خانواده هستند (هارجیتو و همکاران، ۲۰۲۱). در شرکت‌های خانوادگی، تضاد منافع میان مالکان خانوادگی و سهامداران اقلیت، همانند تضاد منافع میان سهامداران اکثریت و اقلیت است، با این تفاوت که در این شرکت‌ها مدیران اجرایی اغلب از اعضای خانواده می‌باشند. مشارکت خانواده در مالکیت و مدیریت شرکت، به همسوسازی منافع خانواده با منافع سهامداران منجر می‌شود. در این شرایط، به دلیل جدا نبودن مالکیت از مدیریت، هزینه‌های نمایندگی کاهش پیدا می‌کند. در شرکت‌های خانوادگی، به دلیل ثروت اجتماعی و احساسی و ملاحظات شهرت و اعتبار خانواده، مالکیت خانوادگی انگیزه زیادی برای تشویق مدیریت، به ارتقای سطح کیفیت و شفافیت اطلاعات حسابداری دارند؛ به این صورت که مالکان خانوادگی با مدیریت سود فرصت‌طلبانه‌ای که با کاهش ارزش شرکت، ثروت اجتماعی و احساسی، شهرت و اعتبار خانوادگی همراه است، مقابله می‌کنند (لیو و همکاران، ۲۰۱۷). در مرحله معرفی با ساختار ساده و غیررسمی، عدم تقارن اطلاعاتی قابل توجه، مخارج سرمایه‌ای بالا، عدم اطمینان در جریان درآمد و هزینه‌ها، هزینه‌ی بالای سرمایه، سطوح بالای فرصت‌طلبی مدیریتی، تأمین مالی سهام و بدهی و نوآوری محصول، مالکیت متمرکز و خصوصی بیشتر مشخص می‌شود. شرکت‌های در مرحله رشد با حداکثر کردن سود، سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، جریان‌های نقدی عملیاتی مثبت، تأمین مالی بدهی بیشتر، هزینه‌ی پایین سرمایه و سیستم کنترل داخلی در حال توسعه، مشخص می‌شوند. در این مرحله، شرکت‌ها تمایل دارند خط تولید

خود را با تطبیق محصولات موجود با بازارهای جدید از طریق نوآوری چشمگیر و سرمایه‌گذاری هنگفت در تحقیق و توسعه و همچنین با حمایت از توسعه محصول و توسعه بازار، برای ایجاد مزیت‌های دائمی هزینه یا تقاضا نسبت به رقبا گسترش دهند. زمانی که شرکت‌ها در مرحله رشد هستند، ارتباط ارزش تغییر در فروش نسبتاً بیشتر از شرکت‌های بالغ است. بنابراین، انتظار بر این است که شرکت‌های مرحله رشد، در مقایسه با شرکت‌های بالغ، کمتر احتمال دارد که سود را از طریق کاهش هزینه‌های تبلیغات، تحقیق و توسعه و سرمایه‌ای مدیریت کنند. در مقایسه با شرکت‌های بالغ، شرکت‌های مرحله رشد به دلیل سیستم‌های کنترل داخلی دارای پیچیدگی کمتر، هزینه شناسایی پایین‌تری دارند. به هر ترتیب، شرکت‌ها در مرحله رشد به دلیل اینکه در تلاش برای بهبود فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و عملیاتی خود هستند، تلاش دارند تا از طریق کاهش دستکاری فعالیت‌های مدیریت سود، اطلاعات دقیق‌تر و باکیفیت‌تری در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دهند تا هم اعتماد عمومی را جلب کنند، هم هزینه‌های تأمین مالی (همانند هزینه بدهی و هزینه سرمایه سهام) شرکت را کاهش دهند. شرکت‌ها در مرحله افول، ممکن است هزینه تبلیغات رسانه‌ای خود را افزایش دهند تا فوراً فروش کوتاه‌مدت را افزایش دهند و در نتیجه سود را به سمت بالا مدیریت کنند. اگر آن شرکت‌ها بخواهند سرنوشت خود را تغییر دهند، تمایلی به کاهش هزینه‌های جستجوی فرصت‌ها ندارند. شرکت‌های مرحله افول ممکن است انعطاف‌پذیری حسابداری بالا و هزینه شناسایی پایین داشته باشند، زیرا به دلیل پیروی از تحلیلگران و مالکیت نهادی کم، هزینه مدیریت سود اقلام تعهدی را کاهش می‌دهند. اما این شرکت‌ها احتمالاً از ابزارهای مدیریت سود خود استفاده کرده‌اند؛ بنابراین بیشتر به ابزارهای مدیریت سود واقعی متکی هستند. پیشینه پژوهش متنوعی در ارتباط بین چرخه عمر، مالکیت خانوادگی و مدیریت سود شرکت‌ها وجود دارد. در ادامه به برخی از پژوهش‌های مرتبط در این زمینه پرداخته می‌شود. مورنی و همکاران (۲۰۲۳) تأثیر کنترل خانوادگی بر مدیریت سود با نقش تعدیل‌کنندگی اهرم در اندونزی را بررسی کردند. با بررسی ۴۱۹ مشاهده طی سال‌های ۲۰۱۵ الی

۲۰۱۹ دریافتند که کنترل خانوادگی بر مدیریت سود تأثیر مثبت دارد و اهرم تأثیر مثبت کنترل خانوادگی بر مدیریت سود را تضعیف می‌کند. پورتی و همکاران^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «مالکیت خانوادگی و مدیریت سود» به این نتیجه رسیدند که در بازه زمانی ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۸، مالکیت خانوادگی بر انگیزه‌های مدیریت سود در شرکت‌های سوییسی تأثیر مثبت و معناداری دارد. ژی و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی، به بررسی ارتباط بین چرخه عمر، مالکیت خانوادگی و مدیریت سود شرکت‌ها پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد در سطح کل، شرکت‌هایی که در مرحله افول هستند، با احتمال بیشتری نسبت به شرکت‌های بالغ برای مدیریت سود واقعی قرار دارند. علاوه بر این، با استفاده از شاخص‌های مدیریت سود واقعی، به صورت جداگانه دریافتند که شرکت‌ها در مراحل اولیه چرخه عمر، مدیریت فروش را به سایر سازوکارهای مدیریت سود واقعی، به‌ویژه مدیریت هزینه‌ها ترجیح می‌دهند. همچنین، شرکت‌های رو به افول از مدیریت هزینه‌های فروش و تولید و سرمایه‌گذاری بیشتری استفاده می‌کنند، اما سطح مدیریت هزینه‌های مشابهی نسبت به شرکت‌های بالغ دارند. در نهایت، آن‌ها گزارش کردند که شرکت‌های خانوادگی در مراحل معرفی و افول در مقایسه با شرکت‌های خانوادگی بالغ مدیریت سود واقعی بیشتری استفاده می‌کنند در حالی که شرکت‌های غیرخانوادگی این کار را نمی‌کنند. پوترا و همکاران^۲ (۲۰۲۲) در پژوهشی، توانایی مدیران و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی اندونزی را بین سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۹ بررسی کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که توانایی بالاتر مدیران در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی با افزایش فعالیت‌های مدیریت سود واقعی همراه است. همچنین در مقایسه با شرکت‌های دارای مالکیت غیرخانوادگی، شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی، مدیران از فعالیت‌های مدیریت سود واقعی برای بهبود سود آتی شرکت بهره می‌گیرند. هارجیتو و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی، برای بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و راهبرد بر عملکرد شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی در اندونزی بین

1. Poretta et al
2. Putra et al

سال‌های ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۸ به این نتیجه رسیدند که بین مالکیت خانوادگی و عملکرد مالی شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ اما این ارتباط برای استقلال هیئت مدیره و عملکرد مالی شرکت‌ها مثبت و معنادار است. همچنین، آن‌ها گزارش کردند که پاداش مدیران و راهبرد تنوع می‌تواند موجب افزایش عملکرد مالی شرکت شود. دجبالی و بلانس^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت خانوادگی در مقابل مالکیت نهادی بر سیاست تقسیم سود بین سال‌های ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۶ پرداختند. در واقع، هدف این پژوهش بررسی تأثیر انواع سهامداران کنترلی بر سیاست تقسیم سود شرکت‌ها بود. نتایج نشان داد شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی، تمایل کمتری به پرداخت سود دارند؛ در حالی که شرکت‌هایی با سهامداران نهادی، تقسیم سود بالاتری را نشان می‌دهند.

شاهزاد و فارید^۲ (۲۰۱۹)، در پژوهشی، تأثیر چرخه عمر شرکت بر ریسک‌پذیری و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار کشور چین را بررسی کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد در دوره‌هایی با تمایلات بالاتر سرمایه‌گذاران، ریسک‌پذیری شرکت‌ها افزایش پیدا می‌کند و شرکت‌ها به تمایلات به گونه‌های مختلفی در مراحل چرخه عمر شرکت واکنش نشان می‌دهند. نوسان‌های ویژه و نوسان‌های جریان‌های نقدی شرکت‌ها نیز نقش مهمی در تعیین ریسک‌پذیری آتی و معکوس‌سازی ریسک در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت بازی می‌کند. اسلی و همکاران^۳ (۲۰۱۹) برای بررسی تأثیر مدیریت سود بر نقدشوندگی بازار، از سه معیار برای ارزیابی مدیریت سود استفاده کرده‌اند. یکی از معیارها «اقدام تعهدی» است و دو معیار دیگر مربوط به معیارهای مدیریت سود واقعی هستند که شامل جریان نقد عملیاتی و هزینه‌های اختیاری است و برای ارزیابی نقدشوندگی بازار نیز از معیار عدم نقدشوندگی آمیهود و معیار کی‌وی استفاده کردند. طبق نتایج به‌دست آمده، مدیریت سود مبتنی بر هزینه‌های اختیاری غیرعادی (مدیریت واقعی سود) با معیار عدم نقدشوندگی رابطه مستقیم و معناداری دارد. یوسفی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی نقش

1. Dejbaly & Belans
2. Shahzad & Fareed
3. Asli et al

چرخه عمر شرکت بر ارتباط بین فرصت‌های رشد و کیفیت اطلاعات حسابداری در صندوق‌های سرمایه‌گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج آزمون‌ها حاکی از آن است که بین فرصت‌های رشد و کیفیت اطلاعات حسابداری، تنها در مرحله رشد رابطه معناداری وجود دارد. کوچ و خواجه‌حسینی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت خانوادگی و سودآوری شرکت بر ریسک و عملکرد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد مالکیت خانوادگی بر روی عملکرد شرکت تأثیر منفی و معناداری دارد. همچنین، مالکیت خانوادگی بر روی ریسک شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتیجه ناشی از فرضیه سوم نیز نشان داد سودآوری شرکت بر روی عملکرد شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد. در نهایت، نتیجه ناشی از فرضیه چهارم نشان داد سودآوری شرکت بر روی ریسک شرکت تأثیر منفی و معناداری دارد.

مهربان‌پور و همکاران (۱۳۹۹) تأثیر چرخه عمر واحد تجاری بر مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی را بررسی کردند. نتایج نشان داد مدیریت شرکت در مرحله بلوغ، از طریق هزینه تولید غیرعادی، دست به مدیریت سود می‌زند. همچنین، شرکت‌های در حال افول در سال‌های پایانی عمر شرکت از طریق جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی، دست به مدیریت سود می‌زنند و این موضوع، به این معناست که هرچه شرکت به سال‌های پایانی عمر خود نزدیک‌تر می‌شود، از جریان‌های نقدی عملیاتی بیشتر از سایر موارد مدیریت سود واقعی استفاده می‌کند. حق‌وردی‌زاده (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی رابطه خطی بین مالکیت شرکت‌ها از بُعد خانوادگی و غیرخانوادگی با ارقام تعهدی اختیاری (مدیریت سود) پرداخت. نتیجه تحقیق نشان داد که بین ساختار مالکیت شرکت‌ها و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد و به‌طور میانگین شرکت‌های غیرخانوادگی بیشتر مدیریت سود انجام می‌دهند. تفتیان و بهارلویی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی اثر استقلال هیئت‌مدیره بر رابطه مالکیت خانوادگی و ارقام تعهدی غیرعادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاکی از وجود رابطه میان مالکیت خانوادگی و کیفیت سود و

نبود رابطه میان مالکیت خانوادگی با وجود متغیر تعدیل‌کننده حاکمیت شرکتی با کیفیت سود است. باختار گوهری و نوربخش لنگرودی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر شرکت‌های با مالکیت خانوادگی بر روی مسئولیت اجتماعی شرکت و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد، مالکیت خانوادگی تأثیر معناداری بر ارتباط معنادار بین افشای مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود دارد و موجب تقویت رابطه بین آن‌ها می‌گردد. خدایی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ایفای مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود واقعی و حسابداری در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی پرداختند. نتایج نشان داد رابطه معکوسی بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و مدیریت سود واقعی و حسابداری وجود دارد؛ یعنی هرچه مسئولیت اجتماعی افزایش یابد، مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری کاهش می‌یابد. همچنین طبق نتایج، مالکیت خانوادگی تأثیری بر این رابطه ندارد.

هدف‌های پژوهش

هدف‌های پژوهش حاضر به صورت زیر مطرح شد:

- بررسی مدیریت سود واقعی شرکت‌ها در مراحل رشد و بلوغ؛
- بررسی مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها در مراحل رشد و بلوغ؛
- بررسی مدیریت سود واقعی شرکت‌ها در مراحل بلوغ و افول؛
- بررسی مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها در مراحل بلوغ و افول؛
- بررسی مدیریت سود واقعی شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی در مراحل رشد و بلوغ و افول.

فرضیه‌های پژوهش

- با توجه به مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش، پنج فرضیه به شرح زیر تدوین شد:
- بین مدیریت سود واقعی شرکت‌ها در مراحل رشد و بلوغ تفاوت معناداری وجود دارد.
 - بین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها در مراحل رشد و بلوغ تفاوت

معناداری وجود دارد.

- بین مدیریت سود واقعی شرکت‌ها در مراحل بلوغ و افول تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها در مراحل بلوغ و افول تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین مدیریت سود واقعی شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی در مراحل رشد، بلوغ و افول تفاوت معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. هدف تحقیق کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. همچنین، تحقیق حاضر از لحاظ روش و ماهیت از نوع همبستگی است؛ یعنی بررسی وجود رابطه و همبستگی بین متغیرها از طریق رگرسیون و روش‌شناسی تحقیق از نوع پس‌رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) است. جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که از سال ۱۳۹۵ لغایت ۱۴۰۰ در بورس فعال بوده‌اند. به منظور آزمون فرضیه‌ها تعداد ۱۴۲ شرکت انتخاب و بررسی قرار گرفت.

در پژوهش حاضر و در ابتدا به بررسی تفاوت‌های مدیریت سود در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها پرداخته شده است. برای این منظور و به پیروی از ژری و همکاران (۲۰۲۲) از مدل‌های رگرسیونی (۱) و (۲) بهره گرفته می‌شود. در این مدل‌ها مبنای تصمیم‌گیری ضریب (β_1) است.

(۱)

$$REM_{it} = \beta_0 + \beta_1 FLC_{it} + \beta_2 BIG_{it} + \beta_3 TENURE_{it} + \beta_4 LNMVE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 MB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 \Delta E_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۲)

$$AEM_{it} = \beta_0 + \beta_1 FLC_{it} + \beta_2 BIG_{it} + \beta_3 TENURE_{it} + \beta_4 LNMVE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 MB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 \Delta E_{it} + \varepsilon_{it}$$

همچنین، در مرحله بعدی، به منظور بررسی اثرهای مالکیت خانوادگی به پیروی از ژری و همکاران (۲۰۲۲) از مدل رگرسیونی (۳) بهره گرفته می‌شود. در صورتی که ضریب متغیر تعدیل گر (β_3) در این مدل معنادار باشد، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه پنجم پژوهش نیز مورد تأیید قرار گرفته است. به این ترتیب، داریم:

(۳)

$$REM_{it} = \beta_0 + \beta_1 FLC_{it} + \beta_2 FAM_{it} + \beta_3 FLC_{it} * FAM_{it} + \beta_4 BIG_{it} + \beta_5 TENURE_{it} + \beta_6 LNMVE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 MB_{it} + \beta_9 ROA_{it} + \beta_{10} \Delta E_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته:

- مدیریت سود واقعی (REM)

در این مطالعه، به پیروی از ریچودری (۲۰۰۶)، کوهن و همکاران (۲۰۰۸) و بهایان و همکاران (۲۰۲۰) از سه شاخص به منظور اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی (دستکاری فروش، مخارج اختیاری و تولید غیرعادی) استفاده شده است. آن‌ها اظهار داشتند سطوح پایین جریان‌های نقدی غیرعادی و مخارج اختیاری و سطوح بالای هزینه‌های تولید غیرعادی به‌عنوان شاخص‌های دستکاری سود واقعی می‌باشند. این سه شاخص به شرح زیر می‌باشند:

- جریان‌های نقدی غیرعادی (ABCFO)

بر اساس مدل ریچودری (۲۰۰۶)، مدیریت فروش فنی است که به منظور افزایش فروش شرکت در دوره جاری به کار گرفته می‌شود. جریان‌های نقدی غیرعادی (ABCFO) به‌عنوان تفاوت بین جریان‌های نقدی واقعی به‌دست آمده از عملیات‌ها و عملیات‌های نرمال جریان‌های نقدی تعریف می‌شود. این مدل به شرح زیر است:

(۴)

$$\frac{CFO_{i,t}}{AT_{i,t-1}} = \alpha_1 \frac{1}{AT_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{SALES_{i,t}}{AT_{i,t-1}} + \alpha_3 \frac{\Delta SALES_{i,t}}{AT_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$$

$CFO_{i,t}$: جریان‌های نقدی عملیاتی.

$AT_{i,t}$: دارایی کل.

$SALES_{i,t}$: فروش خالص شرکت.

$\Delta SALES_{i,t}$: تغییرات در فروش خالص شرکت نسبت به دوره قبل.

$\varepsilon_{i,t}$: باقی‌مانده مدل رگرسیونی که همان متغیر جریان‌های نقدی غیرعادی (ABCFO)

شرکت است.

- تولید غیرعادی (ABPROD)

مدیران شرکت‌های صنعتی که حساسیت پایین به تقاضا با توجه به قیمت دارند، ممکن است به مدیریت تولید غیرعادی دست بزنند. تولید غیرعادی (ABPROD) به عنوان سطح تولید غیرعادی شرکت می‌باشد که با استفاده از مدل رگرسیونی (۵) تخمین زده شده است:

(۵)

$$\frac{PROD_{i,t}}{AT_{i,t-1}} = \alpha_1 \frac{1}{AT_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{SALES_{i,t}}{AT_{i,t-1}} + \alpha_3 \frac{\Delta SALES_{i,t}}{AT_{i,t-1}} + \frac{\Delta SALES_{i,t-1}}{AT_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$$

$PROD_{i,t}$: هزینه‌های تولید که برابر است با هزینه‌های کالاهای فروش رفته و موجودی‌ها.

$AT_{i,t}$: دارایی کل.

$SALES_{i,t}$: فروش خالص شرکت.

$\Delta SALES_{i,t}$: تغییرات در فروش خالص شرکت نسبت به دوره قبل.

$\Delta SALES_{i,t-1}$: تغییرات در فروش خالص دوره قبل نسبت به دو دوره قبل.

$\varepsilon_{i,t}$: باقی مانده مدل رگرسیونی که همان متغیر هزینه‌های تولید غیرعادی (ABPROD) شرکت است.

- هزینه‌های اختیاری غیرعادی (ABDISC)

هزینه‌های اختیاری در دوره‌ای که اتفاق می‌افتد، پرداخت می‌شود. سطح غیرعادی هزینه‌های اختیاری (ABDISC) با استفاده از مدل رگرسیونی (۶) تخمین زده می‌شود:

(۶)

$$\frac{DISC_{i,t}}{AT_{i,t-1}} = \alpha_1 \frac{1}{AT_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{SALES_{i,t-1}}{AT_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$$

$DISC_{i,t}$: هزینه‌های اختیاری که برابر است با مجموع هزینه‌های تحقیق و توسعه، تبلیغات و هزینه‌های فروش، اداری و عمومی.

$AT_{i,t}$: دارایی کل.

$SALES_{i,t}$: فروش خالص شرکت.

$\varepsilon_{i,t}$: باقی مانده مدل رگرسیونی که همان متغیر هزینه‌های اختیاری غیرعادی (ABDISC) شرکت است.

- مدیریت سود واقعی کل

پس از بررسی مدل‌های رگرسیونی سه شاخص ارائه شده و به دست آوردن خطاهای مدل رگرسیونی به عنوان معیارهای مدیریت سود واقعی، از فرمول (۷) برای اندازه‌گیری مدیریت

سود واقعی کل استفاده شده است. در این مدل، باقی مانده مدل‌های جریان‌های نقدی غیرعادی و هزینه‌های اختیاری در منفی یک ضرب می‌شود و با باقی مانده مدل جریان‌های نقدی غیرعادی جمع می‌شود:

(۷)

$$REM_{i,t} = -SR(AB_CFO_{i,t}) + SR(AB_PROD_{i,t}) - SR(AB_DISC_{i,t})$$

$REM_{i,t}$: مدیریت سود واقعی شرکت i در سال t .

$AB_CFO_{i,t}$: سطح غیرعادی جریان‌های نقدی عملیاتی (باقی مانده مدل رگرسیونی ۱)

$AB_PROD_{i,t}$: سطح غیرعادی هزینه‌های تولید (باقی مانده مدل رگرسیونی ۲)

$AB_DISC_{i,t}$: سطح غیرعادی هزینه‌های اختیاری (باقی مانده مدل رگرسیونی ۳)

- مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری (AEM)

یکی از مدل‌های معروف برای اندازه‌گیری مدیریت سود شرکت‌ها، مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) است که از سوی کوتاری (۲۰۰۵) ارائه شده است. این مدل به صورت زیر تعریف می‌شود:

(۸)

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{i,t-1}} = \beta_1 \left(\frac{1}{T_{i,t-1}} \right) + \beta_2 \frac{(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})}{TA_{i,t-1}} + \beta_3 \frac{PPE_{it}}{TA_{i,t-1}} + \beta_4 ROA_{i,t-1} + \varepsilon_{it}$$

TAC_{it} : ارقام تعهدی کل که برابر است اختلاف بین درآمد خالص و جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت i در سال t .

$TA_{i,t-1}$: دارایی کل اول دوره شرکت i در سال t .

ΔREV_{it} : تغییر سالانه در درآمدهای شرکت i در سال t .

ΔREC_{it} : تغییر سالانه در حساب‌های دریافتی شرکت i در سال t .

PPE_{it} : اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t .

$ROA_{i,t-1}$: نسبت سود خالص به کل دارایی‌های اول دوره شرکت i در سال t .

ε_{it} : باقی مانده مدل رگرسیونی که به عنوان شاخص اندازه گیری مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت استفاده شده است.

متغیر مستقل: چرخه عمر شرکت

برای تفکیک شرکت‌ها به مراحل مختلف چرخه عمر، مشابه روش مورد استفاده در مطالعات رستمی و همکاران (۱۴۰۰)، نادری و همکاران (۱۴۰۰) و آنتونی و رامش (۱۹۹۲) از چهار متغیر رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای، نسبت سود تقسیمی و سن شرکت به این شرح استفاده می‌شود: ابتدا مقدار هر یک از متغیرهای رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای، نسبت سود تقسیمی و سن شرکت برای هر سال-شرکت محاسبه می‌شود. سال-شرکت‌ها براساس هر یک از چهار متغیر مذکور و با استفاده از پنجک‌های آماری، به پنج طبقه تقسیم می‌شوند: با توجه به قرار گرفتن در پنجک (طبق) موردنظر، نمره‌ای بین یک تا پنج می‌گیرند. سپس، برای هر سال-شرکت نمره‌ای مرکب به دست می‌آید که با توجه به شرایط زیر در یکی از مراحل رشد، بلوغ و افول طبقه‌بندی می‌شود:

- در صورتی که مجموع نمرات بین ۱۶ الی ۲۰ باشد. در مرحله رشد قرار دارد که با یک و در صورت نبود با صفر نشان داده می‌شود.
- در صورتی که مجموع نمرات بین ۹ الی ۱۵ باشد، در مرحله بلوغ قرار دارد که با یک و در صورت نبود با صفر نشان داده می‌شود.
- در صورتی که مجموع نمرات بین ۴ الی ۸ باشد، در مرحله افول قرار دارد که با یک و در صورت نبود با صفر نشان داده می‌شود.

متغیر تعدیل گر: مالکیت خانوادگی (FAM)

برای اندازه‌گیری مالکیت خانوادگی شرکت‌ها به پیروی از ژئی و همکاران (۲۰۲۲) و فخاری و فصیح (۱۳۹۵)، از تعریف زیر استفاده شده است. مالکیت خانوادگی در پژوهش حاضر به صورت نسبت مالکیت خانوادگی به کل مالکیت شرکت تعریف شده است. برای اندازه‌گیری مالکیت خانوادگی، از هر دو تعریف زیر استفاده شده است:

- سهامدار حقیقی مالک ۲۰ درصد سهام عادی شرکت باشد؛
- یکی از اعضای هیئت‌مدیره، خود، به تنهایی مالک حداقل ۵ درصد سهام عادی و یا مجموع سهام عضو حقیقی هیئت‌مدیره و اعضای خانواده و فامیل وی، حداقل ۵ درصد مجموع سهام عادی شرکت باشد.

متغیرهای کنترلی:

به پیروی از مطالعات مختلف از جمله ژئی و همکاران (۲۰۲۲) اثر برخی از متغیرهای مالی و حسابداری در مدل‌های رگرسیونی کنترل شده‌اند که در ادامه تعریف می‌شوند:

- نوع حسابرِس (BIG): متغیر ساختگی که وقتی حسابرِس شرکت سازمان حسابرِس باشد یک و در غیر این صورت، صفر است.
- دوران تصدی حسابرِس (TENURE): برابر است با تعداد سال‌های همکاری شرکت و حسابرِس خارجی در پایان سال مالی.
- ارزش بازار شرکت (LNMVE): برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت (تعداد سهام ضرب در قیمت سهام) در پایان سال مالی.
- اهرم مالی (LEV): برابر است با نسبت کل بدهی‌ها دفتری به ارزش کل دارایی‌های ترازنامه‌ای شرکت در پایان سال مالی.
- ارزش بازار به دفتری (MB): برابر است با نسبت ارزش بازار سهام (تعداد سهام ضرب در قیمت سهام) به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان سال مالی.
- سودآوری (ROA): برابر است با نسبت سود خالص به ارزش کل دارایی‌های ترازنامه‌ای شرکت در پایان سال مالی.

• تغییرات سود (ΔE): برابر است با نسبت تغییرات سود به کل دارایی‌های ترازنامه‌ای شرکت در پایان سال مالی.

یافته‌های پژوهش

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. از نمونه آماری پژوهش که شامل ۱۴۲ شرکت در دوره زمانی شش ساله بین سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۰ و در مجموع تعداد مشاهدات ۸۵۲ سال شرکت می‌باشد، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرند.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، حداکثر، حداقل و انحراف معیار، در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرها

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
مدیریت سود واقعی	REM	-0/00	-0/00	0/72	-0/78	0/25
مدیریت سود تعهدی	AEM	-0/01	-0/01	0/69	-0/76	0/18
مالکیت خانوادگی	FAM	0/03	0/00	0/75	0/00	0/12
مرحله رشد	GROW	0/13	0/000	1/00	0/00	0/34
مرحله بلوغ	MAT	0/69	1/00	1/00	0/00	0/46
مرحله افول	DEC	0/16	0/00	1/00	0/00	0/37
نوع حسابرس	BIG	0/20	0/00	1/00	0/00	0/40
دوران تصدی	TENURE	2/70	2/00	4/00	1/00	3/41
ارزش بازار	LN MVE	15/73	15/74	22/14	11/88	1/83
اهرم مالی	LEV	0/49	0/50	0/96	0/01	0/19
ارزش بازار به دفتری	MB	3/88	3/55	18/87	0/19	3/97
سودآوری	ROA	0/17	0/14	0/68	-0/29	0/15
تغییرات سود	ΔE	0/06	0/04	0/58	-0/65	0/12

با توجه به نتایج ارائه شده در این جدول، مدیریت سود واقعی شرکت‌ها به طور متوسط ۰/۰۰۰۶ کل دارایی‌های اول دوره است. این در حالی است که مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت‌ها به طور میانگین یک‌ونیم درصد کل دارایی‌های ترازنامه‌ای اول دوره به دست آمده است. همچنین، مالکیت خانوادگی به طور میانگین ۳/۷ درصد سهام شرکت‌ها را در اختیار دارند که این عدد به ۷۵ درصد هم رسیده است. علاوه بر این، نتایج به دست آمده برای متغیر «چرخه عمر شرکت‌ها» نشان می‌دهد بیش از ۱۳ درصد در مرحله معرفی، ۶۹ درصد در مرحله بلوغ و بیش از ۱۶ درصد در مرحله افول قرار دارند. اما نتایج به دست آمده برای متغیرهای کنترلی، نشان می‌دهند بیش از ۲۰ درصد شرکت‌ها در دوره زمانی پژوهش، از خدمات سازمان حسابرسی بهره گرفته‌اند. متغیرهای دوران تصدی حسابررس و سودآوری، به ترتیب، دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان پراکندگی در بین متغیرهای پژوهش است. میانه متغیر اهرم مالی ۰/۵۰ است که نشان می‌دهد اهرم مالی (نسبت بدهی به دارایی) نیمی از شرکت‌های مورد بررسی کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار است. میانگین اهرم مالی شرکت‌ها برابر با ۰/۴۹ است که نشان می‌دهد ۰/۴۹ شرکت‌ها منابع مالی خود را از بیرون شرکت تأمین می‌کنند.

به منظور بررسی مانایی متغیرهای پژوهش از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (نوع فیشر) استفاده شده است، نتایج این آزمون برای متغیرهای کمی پژوهش در جدول ۲، ارائه شده است:

جدول ۲: نتایج آزمون مانایی متغیرها

متغیر	نماد	آماره دیکی فولر	سطح معناداری
مدیریت سود واقعی	REM	-21/62	0/00
مدیریت سود تعهدی	AEM	-16/36	0/00
مالکیت خانوادگی	FAM	-9/31	0/00
مرحله رشد	GROW	-27/89	0/00
مرحله بلوغ	MAT	-31/32	0/00

TENURE	0/02	0/04	-0/11	0/69	0/01	0/00	-0/01	1/00						
	0/52	0/23	0/00	0/00	0/69	0/96	0/67	----						
LNLMVE	-0/00	0/23	-0/16	0/11	0/10	0/03	-0/13	0/17	1/00					
	0/84	0/00	0/00	0/00	0/00	0/36	0/00	0/00	----					
LEV	0/08	-0/12	-0/12	0/16	-0/03	-0/03	0/07	0/15	-0/33	1/00				
	0/01	0/00	0/00	0/00	0/26	0/29	0/02	0/00	0/00	----				
MB	0/00	0/18	0/00	0/01	0/07	-0/00	-0/06	0/09	0/29	0/09	1/00			
	0/80	0/00	0/90	0/68	0/02	0/93	0/05	0/00	0/00	0/00	----			
ROA	-0/20	0/35	-0/03	0/01	-0/00	0/02	-0/02	-0/00	0/54	-0/55	0/10	1/00		
	0/00	0/00	0/33	0/69	0/81	0/50	0/54	0/90	0/00	0/00	0/00	----		
ΔE	-0/22	0/55	-0/04	0/05	0/06	0/06	-0/13	-0/02	0/32	-0/31	0/14	0/71	1/00	
	0/00	0/00	0/17	0/11	0/04	0/07	0/00	0/44	0/00	0/00	0/00	0/00	0/00	----

نتایج آزمون فرضیه‌ها

- نتایج تخمین مدل‌های رگرسیونی فرضیه اول

پیش از تخمین مدل رگرسیونی پژوهش، آزمون‌های تشخیصی به منظور تعیین معناداری اثرهای مقطعی مدل، انجام شده است.

با توجه به سطح معناداری آزمون چاو برای تعیین معناداری اثرهای مقطعی در مدل‌های رگرسیونی پژوهش، که بزرگ‌تر از خطای نوع اول ۰/۰۵ به دست آمده، فرض صفر این آزمون مبنی بر عدم معناداری اثرهای مقطعی در مدل‌های پژوهش رد نشده و می‌توان پذیرفت که مدل‌های رگرسیونی این بخش باید به روش داده‌های تلفیقی تخمین زده شوند. علاوه بر این، باید ذکر شود که با توجه به نتیجه آزمون چاو و استفاده از روش داده‌های تلفیقی، دیگر نیازی به بررسی نتایج آزمون هاسمن نیست.

جدول ۴: نتایج تخمین مدل‌های رگرسیونی فرضیه اول

$REM_{it} = \beta_0 + \beta_1 FLC_{it} + \beta_2 BIG_{it} + \beta_3 TENURE_{it} + \beta_4 LNMVE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 MB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 \Delta E_{it} + \varepsilon_{it}$									
متغیر	نماد	بتا	آماره تی	معناداری	همخطی	بتا	آماره تی	معناداری	همخطی
ضریب ثابت	C	-0/24	-7/15	0/00	-	-0/24	-6/97	0/00	-
مرحله رشد	GROW	-0/53	-3/07	0/00	1/04	-	-	-	-
مرحله بلوغ	MAT	-	-	-	-	0/42	2/48	0/01	1/00

1/98	0/00	-3/00	-0/03	1/98	0/00	-2/94	-0/03	BIG	نوع حسابرِس
2/01	0/06	1/81	0/23	2/00	0/07	1/77	0/22	TENURE	دوران تصدی حسابرِس
1/68	0/00	9/92	0/02	1/70	0/00	9/82	0/02	LN MVE	ارزش بازار
1/61	0/21	-1/24	-0/02	1/62	0/22	-1/21	-0/02	LEV	اهرم مالی
1/17	0/51	0/65	0/03	1/17	0/49	0/67	0/03	MB	ارزش بازار به دفتری
3/32	0/00	-9/86	-0/35	3/40	0/00	-9/71	-0/35	ROA	سودآوری
2/18	0/00	-9/15	-0/33	2/20	0/00	-9/17	-0/34	ΔE	تغییرات سود
0/56				0/56				ضریب تعیین تعدیل شده	
79/43				79/23				آماره F	
0/00				0/00				سطح معناداری	
1/84				1/84				دوربین-واتسون	

بر اساس شاخص‌های نیکویی برآزش مدل، مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F تحلیل واریانس کمتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ به دست آمده و نشان از معناداری مدل رگرسیونی مورد تخمین دارد. همچنین، ضریب تعیین اصلاح شده مدل نیز نشان می‌دهد چند درصد از تغییرات موجود متغیر وابسته (مدیریت سود واقعی) شرکت‌ها توسط متغیرهای مستقل و کنترلی این مدل‌ها تبیین می‌گردد.

• نتیجه به دست آمده برای سطح معناداری متغیر مستقل مرحله رشد (GROW) در مدل اول دارای مقداری پایین‌تر از سطح خطای ۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد مرحله رشد دارای اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی شرکت‌ها بوده است. ضمن اینکه ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل مرحله رشد منفی است که نشان می‌دهد شرکت‌ها در این مرحله

مدیریت سود واقعی خود را کاهش داده‌اند.

• نتیجه به دست آمده برای سطح معناداری متغیر مستقل مرحله بلوغ (MAT) در مدل دوم دارای مقداری پایین تر از سطح خطای ۵ درصد است که نشان می‌دهد مرحله بلوغ دارای اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی شرکت‌ها بوده است. ضمن اینکه ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل مرحله بلوغ مثبت است که نشان می‌دهد شرکت‌ها در این مرحله مدیریت سود واقعی خود را افزایش داده‌اند.

• با توجه به اینکه سطوح معناداری و ضریب‌های تاثیر مراحل رشد و بلوغ دارای اثر متفاوتی بر مدیریت سود واقعی شرکت‌ها بوده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که بین مدیریت سود واقعی شرکت‌ها در مراحل رشد و بلوغ تفاوت معناداری وجود دارد (تأیید فرضیه اول پژوهش).

- نتایج تخمین مدل‌های رگرسیونی فرضیه دوم

با توجه به سطح معناداری آزمون چاو برای تعیین معناداری اثرهای مقطعی در مدل‌های رگرسیونی پژوهش، که بزرگ‌تر از خطای نوع اول ۰/۰۵ به دست آمده، فرض صفر این آزمون مبنی بر عدم معناداری اثرهای مقطعی در مدل‌های پژوهش رد نشده و می‌توان پذیرفت که مدل‌های رگرسیونی این بخش باید به روش داده‌های تلفیقی تخمین زده شوند.

جدول ۵: نتایج تخمین مدل‌های رگرسیونی فرضیه دوم

$AEM_{it} = \beta_0 + \beta_1 FLC_{it} + \beta_2 BIG_{it} + \beta_3 TENURE_{it} + \beta_4 LNMVE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 MB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 \Delta E_{it} + \varepsilon_{it}$									
متغیر	نماد	بتا	آماره تی	معناداری	همخطی	بتا	آماره تی	معناداری	همخطی
ضریب ثابت	C	-0/23	-11/08	0/00	-	-0/23	-10/81	0/00	-
مرحله رشد	GROW	-0/10	-1/92	0/05	1/04	-	-	-	-
مرحله بلوغ	MAT	-	-	-	-	0/52	3/01	0/00	1/00

1/98	0/00	-3/63	-0/02	1/98	0/00	-3/63	-0/02	BIG	نوع حسابرس
2/01	0/00	5/08	0/40	2/00	0/00	5/07	0/40	TENURE	دوران تصدی حسابرس
1/68	0/00	7/89	0/01	1/70	0/00	8/05	0/01	LN MVE	ارزش بازار
1/61	0/36	0/91	0/11	1/62	0/41	0/81	0/99	LEV	اهرم مالی
1/17	0/00	8/03	0/24	1/17	0/00	8/11	0/24	MB	ارزش بازار به دفتری
3/32	0/00	-9/3	-0/21	3/40	0/00	-9/45	-0/21	ROA	سودآوری
2/18	0/00	47/66	0/11	2/20	0/00	47/58	0/11	ΔE	تغییرات سود
0/32				0/33				ضریب تعیین تعدیل شده	
524/98				525/51				آماره F	
0/00				0/00				سطح معناداری	
2/04				2/03				دورین-واتسون	

- نتیجه به دست آمده برای سطح معناداری متغیر مستقل مرحله رشد (GROW) در مدل اول دارای مقداری بالاتر از سطح خطای ۵ درصد است که نشان می‌دهد مرحله رشد دارای اثر معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها نبوده است.
- نتیجه به دست آمده برای سطح معناداری متغیر مستقل مرحله بلوغ (MAT) در مدل دوم دارای مقداری پایین تر از سطح خطای ۵ درصد است که نشان می‌دهد مرحله بلوغ دارای اثر معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها نبوده است. ضمن اینکه ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل مرحله بلوغ مثبت است که نشان می‌دهد شرکت‌ها در این مرحله، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری خود را افزایش داده‌اند.

• با توجه به اینکه سطوح معناداری و ضریب‌های تأثیر مراحل رشد و بلوغ اثر متفاوتی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها داشته است، می‌توان نتیجه گرفت که بین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها در مراحل رشد و بلوغ، تفاوت معناداری وجود دارد (تأیید فرضیه دوم پژوهش).

نتایج تخمین مدل‌های رگرسیونی فرضیه سوم

- با توجه به سطح معناداری آزمون چاو جهت تعیین معناداری اثرات مقطعی در مدل‌های رگرسیونی پژوهش، که بزرگ‌تر از خطای نوع اول ۰۵/۰ به دست آمده، فرض صفر این آزمون مبنی بر عدم معناداری اثرات مقطعی در مدل‌های پژوهش رد نشده و می‌توان پذیرفت که مدل‌های رگرسیونی این بخش باید به روش داده‌های تلفیقی تخمین زده شوند.

جدول ۶: نتایج تخمین مدل‌های رگرسیونی فرضیه سوم

$REM_{it} = \beta_0 + \beta_1 FLC_{it} + \beta_2 BIG_{it} + \beta_3 TENURE_{it} + \beta_4 LNMVE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 MB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 \Delta E_{it} + \varepsilon_{it}$									
متغیر	نماد	بتا	آماره تی	معناداری	همخطی	بتا	آماره تی	معناداری	همخطی
ضریب ثابت	C	-0/24	-6/97	0/00	-	-0/25	-7/33	0/00	-
مرحله بلوغ	MAT	0/42	2/48	0/01	1/00	-	-	-	-
مرحله افول	DEC	-	-	-	-	0/01	1/64	0/09	1/08
نوع حسابرسی	BIG	-0/031	-3/00	0/00	1/98	-0/03	-3/07	0/00	1/99
دوران تصدی حسابرسی	TENURE	0/23	1/81	0/06	2/01	0/23	1/86	0/06	2/01
ارزش بازار	LNMVE	0/02	9/92	0/00	1/68	0/02	10/03	0/00	1/72
اهرم مالی	LEV	-0/02	-1/24	0/21	1/61	-0/02	-1/35	0/17	1/63

1/17	0/49	0/68	0/03	1/17	0/51	0/65	0/03	MB	ارزش بازار به دفتری
3/46	0/00	-9/94	-0/36	3/32	0/00	-9/86	-0/35	ROA	سودآوری
2/26	0/00	-8/72	-0/32	2/18	0/00	-9/15	-0/33	ΔE	تغییرات سود
0/56				0/56				ضریب تعیین تعدیل شده	
79/60				79/43				آماره F	
0/00				0/00				سطح معناداری	
1/84				1/84				دوربین-واتسون	

* نتیجه به دست آمده برای سطح معناداری متغیر مستقل مرحله بلوغ (MAT) در مدل اول دارای مقداری پایین تر از سطح خطای ۵ درصد است که نشان می دهد مرحله بلوغ دارای اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی شرکت‌ها بوده است. ضمن اینکه ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل مرحله بلوغ مثبت است که نشان می دهد شرکت‌ها در این مرحله مدیریت سود واقعی خود را افزایش داده اند.

* نتیجه به دست آمده برای سطح معناداری متغیر مستقل مرحله افول (DEC) در مدل دوم دارای مقداری بالاتر از سطح خطای ۵ درصد است که نشان می دهد مرحله افول دارای اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی شرکت‌ها نبوده است.

* با توجه به اینکه سطوح معناداری و ضریب‌های تأثیر مراحل بلوغ و افول دارای اثر متفاوتی بر مدیریت سود واقعی شرکت‌ها بوده اند، می توان نتیجه گرفت که بین مدیریت سود واقعی شرکت‌ها در مراحل بلوغ و افول تفاوت معناداری وجود دارد (تأیید فرضیه سوم پژوهش).

نتایج تخمین مدل‌های رگرسیونی فرضیه چهارم

با توجه به فرض صفر آزمون چاو مبنی بر عدم معناداری اثرات مقطعی در مدل‌های پژوهش رد نشده و می توان پذیرفت که مدل‌های رگرسیونی این بخش باید به روش داده‌های

تلفیقی تخمین زده شوند.

جدول ۷: نتایج تخمین مدل‌های رگرسیونی فرضیه چهارم

$$AEM_{it} = \beta_0 + \beta_1 FLC_{it} + \beta_2 BIG_{it} + \beta_3 TENURE_{it} + \beta_4 LNMVE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 MB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 \Delta E_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر	نماد	بتا	آماره تی	معناداری	همخطی	بتا	آماره تی	معناداری	همخطی
ضریب ثابت	C	-0/23	-10/81	0/00	-	-0/24	-11/33	0/00	-
مرحله بلوغ	MAT	0/52	3/01	0/00	1/00	-	-	-	-
مرحله افول	DEC	-	-	-	-	0/16	3/01	0/00	1/08
نوع حسابرِس	BIG	-0/02	-3/63	0/00	1/98	-0/02	-3/83	0/00	1/99
دوران تصدی حسابرِس	TENURE	0/40	5/08	0/00	2/01	0/41	5/22	0/00	2/01
ارزش بازار	LNMVE	0/01	7/89	0/00	1/68	0/01	8/25	0/00	1/72
اهرم مالی	LEV	0/11	0/91	0/36	1/61	0/07	0/64	0/51	1/63
ارزش بازار به دفتری	MB	0/24	8/03	0/00	1/17	0/24	8/08	0/00	1/17
سودآوری	ROA	-0/21	-9/30	0/00	3/32	-0/22	-9/69	0/00	3/46
تغییرات سود	ΔE	0/11	47/66	0/00	2/18	0/11	47/33	0/00	2/26
ضریب تعیین تعدیل شده		0/32		0/33					
آماره F		524/98		526/51					
سطح معناداری		0/00		0/00					
دوربین-واتسون		2/04		2/04					

• نتیجه به دست آمده برای سطح معناداری متغیر مستقل مرحله بلوغ (MAT) در مدل اول

دارای مقداری پایین‌تر از سطح خطای ۵ درصد است که نشان می‌دهد مرحله بلوغ دارای اثر معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها بوده است. ضمن اینکه ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل مرحله بلوغ مثبت است که نشان می‌دهد شرکت‌ها در این مرحله، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری خود را افزایش داده‌اند.

• نتیجه به دست آمده برای سطح معناداری متغیر مستقل مرحله افول (MAT) در مدل دوم دارای مقداری پایین‌تر از سطح خطای ۵ درصد است که نشان می‌دهد مرحله افول دارای اثر معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت‌ها بوده است. ضمن اینکه ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل مرحله افول مثبت است که نشان می‌دهد شرکت‌ها در این مرحله، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری خود را افزایش داده‌اند.

• با توجه به اینکه سطوح معناداری و ضریب‌های تأثیر مراحل بلوغ و افول دارای اثر متفاوتی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت‌ها بوده‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت‌ها در مراحل بلوغ و افول تفاوت معناداری وجود دارد (تأیید فرضیه چهارم پژوهش).

نتایج تخمین مدل‌های رگرسیونی فرضیه پنجم

با توجه به فرض صفر آزمون چاو مبنی بر عدم معناداری اثرات مقطعی در مدل‌های پژوهش رد نشده و می‌توان پذیرفت که مدل‌های رگرسیونی این بخش باید به روش داده‌های تلفیقی تخمین زده شوند.

جدول ۸: نتایج تخمین مدل‌های رگرسیونی فرضیه پنجم

$REM_{it} = \beta_0 + \beta_1 FLC_{it} + \beta_2 FAM_{it} + \beta_3 FLC_{it} * FAM_{it} + \beta_4 BIG_{it} + \beta_5 TENURE_{it} + \beta_6 LNMVE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 MB_{it} + \beta_9 ROA_{it} + \beta_{10} \Delta E_{it} + \varepsilon_{it}$											
متغیر	نماد	ت.ک	آماره تی	محداری	محداری	ت.ک	آماره تی	محداری	محداری	ت.ک	آماره تی
ضریب ثابت	C	-0/28	-8/05	0/00	-	-0/27	-7/77	0/00	-	-0/29	-8/25
				0/00	-			0/00			0/00

1/23	1/16	-	-	-	-	-	-	-	-
0/00	0/00	-	-	-	-	-	-	-	-
4/02	15/37	-	-	-	-	-	-	-	-
0/10	0/29	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	1/22	1/26	1/05	-	-	-	-	-
-	-	0/01	0/00	0/03	-	-	-	-	-
-	-	2/33	4/69	2/06	-	-	-	-	-
-	-	0/12	0/09	0/03	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	1/28	1/25	1/14	-	-
-	-	-	-	-	0/00	0/00	0/01	-	-
-	-	-	-	-	3/11	5/15	-2/39	-	-
-	-	-	-	-	0/21	0/13	-0/40	-	-
FAM	DEC	MAT*FAM	FAM	MAT	GROW*FAM	FAM	GROW	مالکیت خانوادگی	مرحله رشد
مالکیت خانوادگی	مرحله انقoul	مرحله بلوغ*مالکیت خانوادگی	مالکیت خانوادگی	مرحله بلوغ	مرحله رشد*مالکیت خانوادگی	مالکیت خانوادگی	مرحله رشد	مالکیت خانوادگی	مرحله رشد

- نتیجه به دست آمده برای سطح معناداری متغیر تعدیل‌گر مرحله رشد، مالکیت خانوادگی (GROW*FAM) در مدل اول دارای مقداری پایین‌تر از سطح خطای ۵ درصد است که نشان می‌دهد مالکیت خانوادگی دارای اثر تعدیلی بر رابطه بین مرحله رشد و مدیریت سود واقعی شرکت‌ها بوده است. ضمن اینکه ضریب به‌دست‌آمده برای متغیر تعدیل‌گر مرحله رشد مالکیت خانوادگی مثبت است که نشان می‌دهد این اثر مستقیم بوده است.
- نتیجه به‌دست آمده برای سطح معناداری متغیر تعدیل‌گر مرحله بلوغ مالکیت خانوادگی (MAT*FAM) در مدل دوم دارای مقداری پایین‌تر از سطح خطای ۵ درصد است که نشان می‌دهد مالکیت خانوادگی دارای اثر تعدیلی بر رابطه بین مرحله بلوغ و مدیریت سود واقعی شرکت‌ها بوده است. ضمن اینکه ضریب به‌دست آمده برای متغیر تعدیل‌گر مرحله بلوغ مالکیت خانوادگی مثبت است که نشان می‌دهد این اثر مستقیم بوده است.
- نتیجه به‌دست آمده برای سطح معناداری متغیر تعدیل‌گر مرحله افول مالکیت خانوادگی (DEC*FAM) در مدل سوم دارای مقداری بالاتر از سطح خطای ۵ درصد است که نشان می‌دهد مالکیت خانوادگی دارای اثر تعدیلی بر رابطه بین مرحله افول و مدیریت سود واقعی شرکت‌ها نبوده است.
- با توجه به اینکه سطوح معناداری و ضریب‌های تأثیر متغیر تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی بر رابطه بین چرخه عمر (مراحل رشد، بلوغ و افول) دارای اثر متفاوتی بر مدیریت سود واقعی شرکت‌ها بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که بین مدیریت سود واقعی شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی در مراحل رشد، بلوغ و افول تفاوت معناداری وجود دارد (تأیید فرضیه پنجم پژوهش).

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به پیروی از ژی و همکاران (۲۰۲۲) ارتباط بین چرخه عمر، مالکیت خانوادگی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شد. نتایج به‌دست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد در مجموع، بین مدیریت سود شرکت‌ها

(واقعی و مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری) در مراحل رشد، بلوغ و افول تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، بین مدیریت سود واقعی شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی در مراحل رشد، بلوغ و افول تفاوت معناداری وجود دارد. در فرضیه اول پژوهش، تفاوت مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مراحل رشد و بلوغ بررسی شد. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد مرحله رشد و بلوغ، دارای اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی شرکت‌ها بوده است. در فرضیه دوم پژوهش، تفاوت مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مراحل رشد و بلوغ بررسی شد. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد مرحله رشد دارای اثر معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها نبوده است و مرحله بلوغ دارای اثر معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها بوده است. در فرضیه سوم پژوهش، به بررسی تفاوت مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مراحل بلوغ و افول پرداخته شد. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد مرحله بلوغ دارای اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی شرکت‌ها بوده است و مرحله افول دارای اثر معناداری بر مدیریت سود واقعی شرکت‌ها نبوده است. در فرضیه چهارم پژوهش، تفاوت مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مراحل بلوغ و افول بررسی شد. نتایج حاکی از آن است که مرحله بلوغ و افول، دارای اثر معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها بوده است. در فرضیه پنجم پژوهش، تفاوت مدیریت سود واقعی شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مراحل رشد، بلوغ و افول بررسی شد. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد مالکیت خانوادگی دارای اثر تعدیلی بر رابطه بین مرحله رشد و مدیریت سود واقعی، بلوغ و مدیریت سود واقعی شرکت‌ها بوده است. همچنین، مالکیت خانوادگی دارای اثر تعدیلی بر رابطه بین مرحله افول و مدیریت سود واقعی شرکت‌ها نبوده است.

درباره نتایج به دست آمده در این مطالعه، باید اشاره کرد که نظریه چرخه عمر پیشنهاد

می‌کند که مدیران شرکت‌ها، هزینه‌های مورد انتظار و محدودیت‌های روش‌های مدیریت سود را هنگام تصمیم‌گیری مبادله در میان سازوکارهای مختلف مدیریت سود، مقایسه کنند. در این مطالعه، از مرحله بالغ به عنوان مرحله معیار استفاده می‌شود. شرکت‌های بالغ با حداکثر کارایی، رشد پایدار فروش، حاشیه سود بالا، پوشش بیشتر تحلیل‌گر و علاقه سرمایه‌گذاران، تأمین مالی بیشتر از بدهی و سهام عمومی، ریسک‌گریزی بیشتر، هزینه سرمایه کمتر و ساختارهای سازمانی بوروکراتیک، مشخص می‌شوند.

در نهایت، باید اشاره شود که دو ویژگی شرکت‌های خانوادگی می‌تواند میزان مدیریت سود را تعیین کند: ۱. مالکیت متمرکز و حاکمیت توسط صاحبان خانواده ۲. فرصت برای استقرار اجرایی. این دو ویژگی به ترتیب با مشکلات نمایندگی نوع یک و نوع دو، مرتبط هستند. مشکل نمایندگی نوع یک درباره جدایی بین مالکیت و کنترل است که به واگرایی بین مدیریت و منافع مالک منجر می‌شود. مشکل نمایندگی نوع دوم از تضاد بین سهامداران کنترل‌کننده و غیرکنترل‌کننده ناشی می‌شود. به‌رحال، شرکت‌های خانوادگی سطوح پایین‌تری از مدیریت درآمد را نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی نشان می‌دهند. در واقع، شرکت‌های خانوادگی با مشکلات نمایندگی نوع یک، کمتر از شرکت‌های غیرخانوادگی مواجه هستند. به‌رحال، مشکلات نمایندگی نوع دوم احتمالاً نقش بزرگی در شیوه‌های گزارش‌دهی بازی می‌کنند. با توجه به اینکه شرکت‌های خانوادگی با مشکل نمایندگی نوع دوم شدیدتری مواجه هستند، در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی، در سطوح بالاتری از مدیریت سود شرکت می‌کنند. این یافته‌ها، با نتایج مطالعه ژئی و همکاران (۲۰۲۲) سازگار است.

پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش

با توجه به نتیجه به‌دست آمده در فرضیه اول پژوهش، پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذارانی که قصد ورود به بورس اوراق بهادار تهران و سرمایه‌گذاری دارند، تلاش کنند تا ابتدا میزان فعالیت‌های مدیریت سود در مراحل مختلف چرخه عمر را مدنظر قرار دهند. با توجه به نتیجه

به دست آمده در فرضیه دوم پژوهش، پیشنهاد می‌شود سازمان بورس اوراق بهادار تهران با همکاری سازمان حسابرسی و سایر سازمان‌های مرتبط و سیاست‌گذار، شرکت‌ها را بر اساس شاخص‌های مدیریت سود رتبه‌بندی کند تا سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه درک درست‌تری از کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها داشته باشند. با توجه به نتیجه به دست آمده در فرضیه سوم پژوهش، پیشنهاد می‌شود مدیران شرکت‌ها به منظور کاهش دستکاری سود و افزایش کیفیت گزارشگری مالی، شاخص‌های مربوط به مراحل مختلف چرخه عمر را مدنظر قرار دهند. با توجه به نتیجه به دست آمده در فرضیه چهارم پژوهش، پیشنهاد می‌شود سازمان بورس اوراق بهادار تهران با اجرای سازوکارهای کارآمد، زمینه اطمینان سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و فعالان بازار سرمایه از ارتباط بین چرخه عمر، مالکیت خانوادگی و مدیریت سود واقعی شرکت‌ها و کارایی بازار سرمایه را فراهم کند. با توجه به نتیجه به دست آمده در فرضیه پنجم پژوهش، پیشنهاد می‌شود با گسترش مطالعات و ادبیات نظری در حوزه ریسک اقلیمی و مدیریت سود واقعی شرکت‌ها، فعالان بازار سرمایه، اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها، سهامداران، اعتباردهندگان، مؤسسات حسابرسی، پژوهشگران و... با مباحث این بخش‌ها بیشتر آشنا شوند تا بتوانند به نحو مناسبی به ایفای نقش در آن پردازند. پیشنهاد می‌شود برای افزایش ضریب اطمینان نتایج به دست آمده، بازه زمانی پژوهش را افزایش داد. به طور مثال، دوره زمانی ده ساله یا در دوره‌های مختلف اقتصادی (رونق و رکود اقتصاد) بررسی انجام داد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی همین عنوان در بین شرکت‌های دارای مالکیت دولتی، شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی و شرکت‌های دارای وابستگی تجاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد و برای اندازه‌گیری متغیرها از روش‌شناسی دیگری استفاده شود. به طور نمونه، برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۹) و مدل دیچو و دیچاو (۲۰۰۲) بهره گرفته شود. یا برای اندازه‌گیری چرخه عمر، از مدل دیکسون (۲۰۱۱) استفاده شود که شامل پنج مرحله چرخه عمر است. در نهایت، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، اثر دیگر متغیرهای مالی و حسابداری (توانایی مدیران، تخصص در صنعت حسابرسی، استقلال کمیته حسابرسی،

افشای پایداری و مسئولیت اجتماعی) بر مدیریت سود (واقعی و مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری) شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شود. هرچند یافته‌های پژوهش حاضر بینش‌های مفیدی را به سرمایه‌گذاران، حساب‌رسان و قانون‌گذاران درباره شیوه‌های مدیریت سود مورد انتظار شرکت‌ها در طول مراحل چرخه عمر در شرکت‌های خانوادگی در مقابل شرکت‌های غیر خانوادگی ارائه می‌دهد، این مطالعه با محدودیت‌هایی همراه است. نخست، اگرچه متداول‌ترین معیارهای مورد استفاده مدیریت، سود واقعی و مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری در ادبیات به کار گرفته شد، این معیارها در معرض خطای اندازه‌گیری هستند. دوم، نتایج مطالعه حاضر بر اساس داده‌های شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران است که تعمیم یافته‌ها را محدود می‌کند. در نهایت، نتایج مطالعه حاضر برای دوره زمانی شش ساله، بین سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۰ دارای اعتبار است و در صورت تغییر دوره زمانی و تعداد نمونه، ممکن است نتایج متفاوتی حاصل شود.

منابع

- اثنی عشری، حمیده و نادری نورعینی، مهدی. (۱۳۹۶). «الگوی مدیریت سود در چرخه عمر شرکت»، مجله علمی - پژوهشی دانش حسابداری مالی، ۴(۱۲)، ۲۲-۱.
- بامری، عمران، شورورزی، محمدرضا و نوری، زهرا. (۱۴۰۲). «بررسی و تبیین رابطه بین حسابرسی داخلی و مدیریت سود»، نشریه علمی حسابداری مدیریت، ۱۶(۵۷)، ۹۱-۷۲.
- باخترگوهری، فاطمه و نوربخش‌لنگرودی، محسن. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر شرکت‌های با مالکیت خانوادگی بر روی مسئولیت اجتماعی شرکت و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، سومین کنفرانس ملی مدیریت مهندسی، ۱-۱۰.
- تفتیان، اکرم و بهارلویی، فرنگیس. (۱۳۹۸). «بررسی اثر استقلال هیئت‌مدیره بر رابطه مالکیت خانوادگی و ارقام تعهدی غیرعادی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین حسابداری و مدیریت در هزاره سوم، ۱۴-۱.
- جودی، سمیرا و منصورفر، غلامرضا. (۱۳۹۹). «نقش کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ابعاد آگاهی‌دهندگی و فریبندگی مدیریت سود»، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۲(۱) (پیاپی ۴۳)، ۳۸-۱۹.
- حق‌وردی‌زاده، محسن. (۱۳۹۹). «بررسی رابطه خطی بین مالکیت شرکت‌ها از بُعد خانوادگی و غیر خانوادگی با ارقام تعهدی اختیاری (مدیریت سود)»، چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، دوره سوم، ۱۲۵-۱۱۳.
- خدایی، بهزاد. (۱۳۹۶). «بررسی رابطه بین ایفای مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود واقعی و حسابداری در شرکت‌های

- دارای مالکیت خانوادگی و غیر خانوادگی»، مطالعات مدیریت و حسابداری، (۳(۴)، ۱۶-۱.
- رحمانی، علی و شمس، زهرا. (۱۳۹۷). «بررسی ارتباط با ارزش تفاضل ارزیابی‌های مالی و غیر مالی عملکرد، با نگاهی بر چرخه عمر شرکت»، نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، (۲) ۱۰، ۲۲-۱.
- رخشی، مریم، آذین فر، کاوه، و نبوی چاشمی، سیدعلی. (۱۴۰۰). فشارها و معضلات اخلاقی موجود در تضاد بها- کیفیت حسابرسی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)، ۱۳(۱)، ۵۰-۲۰۵.
- رزایی، فرزین و خداندنده، آذر. (۱۳۹۶). «مقایسه ارزیابی عملکرد شرکت‌ها با ساختار مالکیت خانوادگی و غیر خانوادگی از طریق الگوی کارت امتیازی متوازن و تحلیل پوششی داده‌ها»، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، ۳(۱)، ۲۴۹-۲۳۵.
- فخاری، حسین و فصیح، الهام. (۱۳۹۵). «تأثیر مالکیت خانوادگی بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (مبتنی بر تئوری نمایندگی)»، دانش سرمایه‌گذاری، (۲۰) ۵، ۱۶۴-۱۴۵.
- کوچ، حسین و خواجه‌حسینی، سمیرا. (۱۴۰۰)، «بررسی تأثیر مالکیت خانوادگی و سودآوری شرکت بر ریسک و عملکرد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات مدیریت اقتصاد و حسابداری صنعت محور، ۱۷-۱.
- کامیابی، یحیی، شهسواری، معصومه و سلمانی، رسول. (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر مدیریت سود تعهدی بر رابطه بین مدیریت واقعی سود و هزینه سرمایه»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، (۱) ۲۳، ۳۸-۱۹.
- مشایخی، بیتا و آژنگ، احمد. (۱۳۹۷). «تأثیر شرکت‌های خانوادگی بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه»، دانش سرمایه‌گذاری، ۶(۲۱)، ۱۴۴-۱۲۹.
- مشایخی، بیتا و حسین‌پور، امیرحسین. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران»، مطالعات تجربی حسابداری مالی، (۴۹) ۱۳، ۵۲-۲۹.
- مهدوی، غلامحسین و کریمی‌پور، عیسی. (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی کیفیت گزارشگری مالی و سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۷(۱۲)، ۲۲۲-۲۰۳.
- مهرآذین، علیرضا، قبدیان، بشیر، فروتن، امید، و تقی‌پور، محمد. (۱۳۹۲). مالکیت خانوادگی، غیر خانوادگی شرکت‌ها و مدیریت سود. دانش حسابرسی، ۱۳(۵۲)، ۱۷۱-۱۵۳.
- مهربان‌پور، محمدرضا، آذرخوش، حمید، حسن زاده کوچو، محمود، و عربی، مهران. (۱۳۹۹). تأثیر چرخه عمر واحد تجاری بر مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)، ۱۲(۴۶)، ۱۰۷-۱۳۰.
- نوری بروجردی، پیمان، سوری، داوود، و اشرف گنجویی، محمدعلی. (۱۳۹۲). مدیریت سود، ریسک سهام و نوسانات درآمد در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات کمی در مدیریت، ۴(۳)، ۱۶۵-۱۸۳.

ولی پور، هاشم، زارع، لادن، و خرم، اسماعیل. (۱۳۹۲). نقش تعدیل کنندگی اندازه هیات مدیره در رابطه بین ساختار مالکیت و ارزش شرکت. *حسابداری مدیریت*، ۶(۱۶)، ۶۱-۷۴.

هشی، عباس، شیخی، کیوان، رشیدی، بداله، درگاهی، اسماعیل و پارچینی، سیدمهدی. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر برخی از ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر نوع اظهار نظر حسابرسان». *حسابرس، نظریه و عمل*، ۱(۱)، ۹۱-۱۰۸.

یوسفی، طیبه. (۱۴۰۱). «نقش چرخه عمر شرکت بر ارتباط بین فرصت‌های رشد و کیفیت اطلاعات حسابداری در صندوق‌های سرمایه‌گذاری پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، هشتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات نوین مدیریت و حسابداری در ایران، تهران.

Anderson, R. C., & D. M, Reeb. (2003). Founding-family ownership and firm performance: evidence from the S&P 50. *Journal of Finance*, 58 (3), 1301–1328.

Asli, A. (2019). Earnings management and market liquidity. *Rev Quant Finan Acc*, 38, 257–274.

Bixi, B. (2007). Life cycle effect on the value relevance of common risk factor. *Review of Accounting and Finance*, 6, 162-175.

Chen, C. (2018). Earnings smoothing: Does it exacerbate or constrain stock price crash risk?. *Journal of Corporate Finance*, 42, 36-54.

Chen. Z. (2009). The Choice Between Real activity and Accounting Earning Management, Available at: www.ssrn.com

Dickinson, V. (2011) Cash flow patterns as a proxy for firm life cycle. *Account Rev*, 86(6), 1969-1994.

Djebali, R., & Belanès, A. (2019). On The Impact Of Family Versus Institutional Blockholders On Dividend Policy. *Journal of Applied Business Research (JABR)*, 31(4), 1329-134.

Drake, K. D. (2015). *Does Firm Life Cycle Inform the Relation Between Book-Tax Differences and Earnings Persistence?*. Working Paper, University of Arizona.

Fialova, V., & A, Folvarcna. (2020). Default prediction using neural networks for enterprises from the post-soviet country. *Ekonomicko-manazerske spektrum*, 14(1), 43–51. doi: 10.26552/ems.2020.1.43-51.

Graham, J. (2005). The Economic Implications of Corporate Financial Reporting. *The Journal of Accounting and Economics*, 40(1), 3-73.

Gómez-Mejia, L. R. (2011). The bind that ties: Socioemotional wealth preservation in family firms. *Academy of Management Annals*, 5 (1), 653–707.

Harjito, D. (2021). The Effect Of Corporate Governance And Corporate Strategy On Family Firm Performance In Indonesia. *The Journal of Applied Business Research*, 37(1).

Helfat, C. E., & Peteraf, M. A. (2003). The dynamic resource-based view: capability lifecycles. *Strateg. Manage. J.* 24 (10), 997- 1010.

Huang, X., & Sun, L. (2017). Managerial ability and real earnings management. *Advances in Accounting*, 39, 91-104.

Kothari, S. P. (2016). Managing for the moment: The role of earnings management via real activities versus accruals in SEO valuation. *The Accounting Review*, 91(2), 559-586.

Leung, Sl. (2014). Corporate board and board committee independence, firm

- performance, and family ownership concentration: An analysis based on Hong Kong firms. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 10, 16-31.
- Leuz, C. (2004). Proprietary versus nonproprietary disclosures: evidence from Germany, in Leuz C., D. Pfaff and A. Hopwood. *The Economics and Politics of Accounting*, 15, 10-24.
- Liu, M. (2017). Does family involvement explain why corporate social responsibility affects earnings management?. *Journal of Business Research*, 75, 8–16.
- Murni, S. (2023). Effect of Family Control on Earnings Management: The Role of Leverage. *Risks*, 11, 28. <https://doi.org/10.3390/risks11020028>.
- Nagar, N., & Radhakrishnan, S. (2015). Firm Life Cycle and Real-Activity Based Earnings Management. Available at www.ssrn.com.
- Penrose, E. T. (1959). The theory of the growth of the firm. Wiley, New York.-
- Preston, L. E., & O'bannon, D. P. (1997). The corporate socialfinancial performance relationship. *Bus. Soc.*, 36(4), 419-429.
- Piotroski, J. (2003). Discretionary segment reporting decisions and the precision of investor beliefs. *Working Paper*, University of Chicago.
- Porretti, C. (2023). Family identification and earningsmanagement in listed firms. *Accounting in Europe*, <https://doi.org/10.1080/17449480.2023.2231964>.
- Putra, A.A. (2022). Managerial ability and real earnings management in family firms. *Corporate Governance*, 21(7), 1475-1494. <https://doi.org/10.1108/CG-02-0083>.
- Shahzad. F. (2019). Does firm life cycle impact corporate risk taking and performance?. *Journal of Multinational Financial Management*, <https://doi.org/10.1016/j.mulfin.05.001>.
- Wongsunwai, W. (2012). The effect of external monitoring on accrual-based and real earnings management: Evidence from venture-backed initial public offerings. *Contemporary Accounting Research*, (1).
- Xi, X. (2022). Corporate life cycle, family firms, and earnings management: Evidence from Taiwan. *Advances in Accounting*, 56,100579.
- Zhang, A. (2012). Evidence on the Trade-off Between Real Activities Manipulation and Accrual Based Earnings Management. *The Accounting Review*, 87(2), 675-703.